

کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۷ مهر ۱۳۸۵ - ۲۹ سپتامبر ۲۰۰۶

سردبیر: آذر مدرسی

www.hekmatist.com

در سهای دو تجربه: کارگران معدن انگلستان

و کارگران نساجی ایران

ایرج فرزاد

صفحه ۲

تجمع اعتراضی رانندگان در سندج و عقب

نشینی رژیم

صفحه ۳

شکست در عراق و شکافهای جدید

آذر مدرسی

صفحه ۳

در دفاع از آزادی بیان

کمپین دفاع از آزادی بیان

صفحه ۴

تلویزیون پرتو

هر جمعه بین ساعت ۵ و نیم تا ۶ و نیم بعد از ظهر بوقت تهران از کانال یک (شبکه هات برد) پخش میشود، تکرار برنامه ظهر روز بعد.

تلفن تماس:

۰۰۴۶۷۰۷۳۹۹۸۶۸

parto.tv@gmail.com



اعتراضات کارگری خطر

به حرکت در آمدن

بهمین عظیم طبقه کارگر

را به دولت و طبقه سرمایه دار در ایران گوشزد میکند.

اعتصابات کارگری فزاینده به رهبری

کمونیستی نیاز دارند.

محمود قزوینی

ghazvinimr@gmail.com



وحشت رژیم از سرکوب

کارگران فرش البرز بابلسر

هفته گذشته نیروهای انتظامی رژیم به تجمع اعتراضی کارگران فرش البرز بابلسر حمله کردند و ضمن ضرب و شتم کارگران، تعداد زیادی از آنها را دستگیر نموده اند. پخش خبر سرکوب این تجمع کارگری در میان دست اندکاران رژیم ایجاد وحشت کرده است. این هفته مسئولین اجرایی رژیم، شوراهای اسلامی و خیل زیادی از دست اندکاران ریز و درشت رژیم، از غلامعلی حدادعادل رئیس مجلس تا نمایندگان دیگر مجلس مشغول رد و یا محکوم کردن این سرکوبگری بوده اند. فقط یک مقام قوه قضائیه رژیم از حمله به کارگران فرش البرز حمایت کرد. درک این وحشت رژیم از اعمال سرکوب یک حرکت کارگری برای هر کارگر آگاه قابل درک است. رژیم میداند با توجه به وضعیت وخیم اقتصادی طبقه کارگر و در شرائطی که اعتصابات کارگری با این وسعت در متن اوضاع سیاسی که مسئله هست و نیست رژیم مورد سوال است، در هر حرکت است، سرکوب کارگران یک مرکز کارگری به جای ایجاد ترس و دلهره در میان کارگران و کاهش و یا خواباندن اعتصابات و اعتراضات کارگری، موجب خشم همه کارگران میگردد و میتواند خود این سرکوبگری موجب پایان دادن به حرکتی پراکنده کارگری و به میدان آمدن وسیع

و متحد کارگران در مقابل سرکوبگری دولت جمهوری اسلامی شود. هم چنین رژیم میداند که در مقابل شمار زیاد اعتراضات و اعتصابات کارگری نمیتواند کاری از پیش ببرد. هر چند حرف امام راحلشان مبنی بر حرام بودن اعتصاب برایشان از مقدسات دینی محسوب میشود و بر قانون ممنوعیت اعتصابشان، متمم حق شلیک و تیراندازی به تجمع و اعتصاب از مجلس ششم افزوده شده است، با این همه باید در مقابل اجرای حرف امام و قانونشان وحشت کنند و سراسیمه شوند.

اعتصابات و اعتراضات غیرقانونی کارگری، قانونی ترین حرکت و اعتراضی است که در طول عمر جمهوری اسلامی جریان داشته است. اعتصابات و اعتراضات کارگری قانون حرام بودن اعتصاب و ممنوعیت آن را عملاً ملغی کرده است.

نمایش سبقت گیری دست اندکاران رژیم در محکومیت حمله به کارگران بابلسر، باید ضعف و ناتوانی رژیم در سرکوب حرکتی کارگری را برای فعالین و رهبران کارگری بیشتر روشن کرده باشد. اعتصابات و اعتراضات کارگری در دهه ۸۰ شمسی با اعتصابات و اعتراضات کارگری در دهه ۶۰ و ۷۰ متفاوتند. اعتصابات و اعتراضات کارگری در دهه ۸۰ در جمهوری اسلامی در متن جدال بر سر هست و نیست رژیم اتفاق میافتد و از این نظر اگر دامنه اعتصابات وسیع شود، رژیم

خود را در معرض نابودی مینیند. وحشت رژیم از سرکوب کارگران فرش البرز بابلسر در همین است. در اینکه این عمل نه موجب ایجاد ترس و عقب نشینی کارگران، بلکه موجب گسترش دامنه اعتراض و میلینت شدن آنها میشود.

حداد عادل رئیس مجلس اسلامی در پاسخ به یک خبرنگار در باره سرکوب کارگران فرش البرز بابلسر گفت:

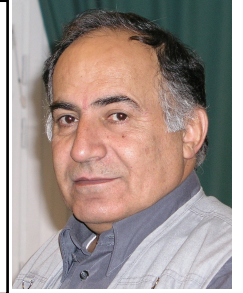
"من حق کارگران می دانم که مطالبات خود را مطرح کنند، از برخورد میان نیروی انتظامی و کارگران خوشحال نیستم اما معتقدم اگر تجمعی بدون کسب مجوز از وزارت کشور باشد، بیش از همه کسانی که مطالبه برحق دارند ضرر میکنند.

وقتی تجمعی بدون مجوز برگزار می شود، از این فرصت عده ای سوءاستفاده و مطالبات خود را مطرح می کنند که یا اصلاً قابل تحقق نیست و یا مطالبات کارگران نیست."

روشن است وحشت حداد عادل در چیست. اما فراخوان حداد عادل برای گرفتن مجوز قانونی برای تجمع و اعتراض نمیتواند از طرف کسی شنیده شود. در جمهوری اسلامی همیشه همیشه اعتصاب و اعتراض کارگری حرام و ممنوع بوده است و همیشه هم اعتصاب و اعتراض کارگری در سطح نسبتاً وسیع جریان داشته است. کارگران باید با سوءاستفاده از موقعیت کنونی به خصوص در این دوره، خواستهایی غیر قابل تحقق خود

بقیه در صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



Iraj.farzad@gmail.com

درسهای دو تجربه: کارگران معدن انگلستان و کارگران نساجی ایران

ایرج فرزاد

را باید با توجه به مبارزات کارگران معدن انگلیس به نفع از کارگران نساجی آورد. سرمایه داری همین کارگران به جیب نزنند، کارگر را بیکار میکنند، تولید را در هر رشته ای میخواباند در اعتراض به فلاکت و بردگی مزدوران مسلح را به جان کارگر می اندازد. کارگر مجبور نیست و نباید در چرتکه انداختن سرمایه داران و رژیم شان سهیم باشد. نمدانم تجربه کارگران معدن ذغال سنگ انگلستان را

تتها و منزوی ساخت. خواست و مطالبه بیمه بیکاری اگر با آن مبارزه و اعتصاب پیگیر و شوکمند جوش میخورد، و اگر همراه با آن، صف اتحاد طبقه کارگر علیه بیکاری، رزمندگی و ایستادگی کارگران معدن را پشتوانه خود میگرد، نه تنها کارگران معدن بلکه کل طبقه کارگر انگلیس را در موقعیت به مراتب برتری در برابر سرمایه داران قرار میدهد. تاجر و چاپرسم نمیتوانست کارگران معدن ذغال سنگ را در مبارزه خود به انزوا از کل طبقه کارگر و

است، حق نیست و سزاوار نیست که اجازه بدهیم کارگران صنایع نساجی و فرش در بی تفاوتی کارگران صنایع بزرگ و کلیدی و در میان سکوت ما کارگران شاغل، گرسنگی بکشند و مورد ضرب و شتم و باتوم کاری قرار بگیرند و بی رحمی و ترحم اهانت بار اسلامی مقامات رژیم و سرمایه داران و مزدوران آنها را هر روز تجربه کنند و نمک بر زخمهایشان پاشیده شود.

باید بجنابیم! چاره دیگری جز اتحاد طبقاتی مان نداریم، ما نمیتوانیم خودکشی کنیم و مجاز نیستیم شاهد ذوب شدن و تباهی تدریجی پاره تن خود در صنعت نساجی بمانیم. باید خواست بیمه بیکاری را فوراً به عنوان مطالبه کارگران بیکار به میان آورد. با ثروت و امکاناتی که همین الان در جامعه ایران موجود است، بیمه

خواست و مطالبه بیمه بیکاری اگر با آن مبارزه و اعتصاب پیگیر و شوکمند جوش میخورد، و اگر همراه با آن، صف اتحاد طبقه کارگر علیه بیکاری، رزمندگی و ایستادگی کارگران معدن را پشتوانه خود میگرد، نه تنها کارگران معدن بلکه کل طبقه کارگر انگلیس را در موقعیت به مراتب برتری در برابر سرمایه داران قرار میدهد.

در دهه ۸۰ میلادی بخاطر می آورید یانه؟ آنجا هم همین معضل کارگران نساجی و فرش ماشینی ایران، گریبان کارگران معدن انگلیس را گرفته بود. آنجا هم ماهها کارگران با اعضای خانواده خود بیکت کردند، با پلیس درگیر شدند، دستگیری دادند و خیلی هم میلبانتان و رزمند در برابر پلیس ضد شورش ایستادگی کردند، یک همبستگی عمیقی را بین خود برقرار کردند، اما در نهایت به پیروزی دست نیافتند. دایر نگاهداشتن صنعت ذغال سنگ که با رقابت تولید مواد سوختی جدید و منابع انرژی جدیدی روبرو بود، با مبارزه هر چند میلبانتان و واقعا قابل ستایش برای جلوگیری از بستن صنعتی که رو به انقراض بود، آنهم در شرایطی که مرکز ثقل این مبارزه عمدتاً فقط بر نیروی کارگران معدن ذغال سنگ قرار داشت، کارگران را در نهایت در برابر تعرض سرمایه داران به زندگی و معیشتشان،

بویژه با سردی و بی تفاوتی کارگران بخشهای کلیدی و کارگران شاغل روبرو سازد. در ایران هم شرایط نسبتاً مشابهی حاکم است، رژیم اسلامی، نوع قرون وسطائی حکومت تاجرپرستانها است، صنعت نساجی، چون صنعت ذغال سنگ، در سرانحیبه افول و انقراض است، و طبقه حاکم، سرمایه داران و دولت اسلامی دارند در میان بی تفاوتی بخشهای دیگر صنایع و تولید، و عدم دخالتگری کارگران شاغل در بخشهای دیگر تولید و اقتصاد، کارگر را گرسنگی میدهند، او را کتک کاری میکنند و درست در روزهایی که برخی اخبار زدیها و رشوه گیریها و غارت ثروت و اموال جامعه ایران توسط مشتی آخوند و طفیلی اسلامی و مجیز گوها و قره نوکرها، در نجومی، به بیرون درز میکنند، با بی رحمی تماماً اسلامی میگویند پول نداریم که حتی حقوق معوقه کارگر را پرداخت کنیم!

اما طبقه کارگر، طبقه واحدی

اعتصابات کارگری ...

را هم طرح کنند. حداد عادل و رژیم نمیتوانند اقدامی در مقابل این اعتراضات انجام دهند. آنها به این دلخوش کرده اند که این اعتراضات پراکنده اند و از رهبری کمونیستی و راییکال که این اعتراضات را متحد کنند محرومند. فعالین و رهبران کارگری باید این دلخوشی حداد عادل و دیگر دست اندر کاران رژیم را به کامشان تلخ کنند. ایجاد رهبری سراسری و کمونیستی در اعتراضات کارگری کار فوری فعالین و رهبران دست اندر کاران جنبش کارگری است. طرح مطالبه بیمه بیکاری مفکی برای افراد بیکار و تبدیل آن به خواست اعتراضات کارگری جاری که عموماً در قابل اخراج سازی ها و تغییر ساختار صنایع صورت میگیرد میتواند زمینه همه گیر شدن این شعار و اتحاد سراسری جنبش کارگری را فراهم کند.

ایجاد همین سطح اتحاد در میان کارگران مراکز تولیدی و سازمانیابی اعتراضات و اعتصابات کارگری بر مبنای مجمع عمومی در کارخانه و مرکز کارگری و انتخاب نماینده در مجمع عمومی صورت میگیرد. فعالین کارگری باید با تکیه بر این اجتماعت و منظم کردن آن و با ایجاد ارتباط مداوم با دیگر مراکز کارگری، بر پراکندگی اعتصابات و اعتراضات کارگری فائق آیند.

باید رهبران علنی اعتراضات کارگری این دوره و رهبران فعالین کارگری در مراکز خاموش کارگری را گرد آورد و یک پایه محکم برای ایجاد رهبری سراسری کارگری ایجاد کرد.

پیشروی دامنه اعتصابات، گامهایی به پس و تشکیول اتحادیه های زرد و دست ساز

شمار اعتصابات و اعتراضات کارگری دم به دم افزایش میابد. فاصله ضربان اعتصاب و اعتراض در جنبش کارگری کم و کمتر میشود و اعتصابات با فاصله های زمانی بسیار کم از یکدیگر، خطر به حرکت در آمدن بهمن عظیم طبقه کارگر را به دولت و طبقه سرمایه دار در ایران گوشزد میکند. در این هفته بر شمار اعتراضات و اعتصابات کارگری باز هم افزوده شد. کارگران "آما" در مقابل فشار مدیریت برای افزایش تولید و قطع پاداش و کمک های نقدی، مدیریت را از کارخانه

۱۸ سپتامبر ۲۰۰۶

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



azar.modaresi@gmail.com

شکست در عراق و شکافهای جدید

آذر مدرسی

اصلی امروز در امریکا تبدیل شده است.

ما و همه مردم آزادیخواه در دنیا از همان لحظات اول تصمیم بر حمله به عراق اعلام کردیم که این جنگ نه بر سر سلاح های کشتار جمعی است و نه برای خلاصی مردم عراق از شر رژیم دیکتاتور صدام است. ما و همه مردم آزادیخواه دنیا گفتیم این جنگ تنها نتیجه ای که خواهد داشت رشد تروریسم دولتی با اسلامی، رشد و تقویت میلیتاریسم و قلداری نظامی چه امریکا و چه باندهای اسلامی و قومی خواهد بود. بشریت آزادیخواه و متمدن در سراسر دنیا در اعتراضاتشان به این توحش نه گفتند، به خیابانها آمدند و به میلیتاریسم امریکا و متحدینش نه گفتند.

میلیتاریسم و گانگستریسم امریکا نتیجه ای جز دامن زدن به تروریسم ندارد. رشد تروریسم اسلامی نتیجه منطقی تروریسم دولتی امریکا و متحدینش است.

سپتامبر ۲۰۰۶

→ اعتصابات کارگری ...

اخراج کردند و راه انداد. کارگران نازیخ در اعتراض به اخراج در مقابل ساختمان ریاست جمهوری تحصن کردند، کارگران ایران صدرا در مقابل فرمانداری بوشهر تجمع کردند و ریسنگی و بلفندگی رشت هم دست به اعتراض به عدم پرداخت دستمزد هایشان زدند. چیت سازی تهران و نساجی قائم شهر هم در اعتراض به سر میبرد.

خبرنگار ایلنا این خطر را با عنوان "بحران های کارگری در راه است؛ مسئولان جدی بگیرند!!" بیان کرده است. این خبرنگار که خود در جمع یک اعتراض کارگری برای گزارش شرکت کرده بود، جوشش سوزان این جنبش را از نزدیک لمس کرده است و به مسئولین رژیم هشدار داده است که خطر را جدی بگیرند.

هشدار این خبرنگار به رژیم به کنار، اعتصابات و اعتراضات

جریانات اسلامی و تروریستی در منطقه گسترش پیدا کرده اند. عاملین کشتار و ترور که با پرچم دمکراسی و آزادی روزانه صدها تن بمب را بر سر مردم بیگناه در عراق ریختند. جهنم عراق چیزی جز ارمغان دمکراسی امریکا برای مردم بیگناه عراق نیست.

مردمی که میتوانستند برای سرنگونی دیکتاتوری صدام متحد شوند و آینده ای آزاد را برای خود و نسل آینده شان بوجود بیاورند امروز "به یمن" حمله امریکا و دامن زدن به هویتهای کاذبی چون سنی و شیعه، عرب و کرد و ترکمن به جان هم انداخته اند. این مردم سالهای سال خود را در مقابل رژیم دیکتاتور صدام پیکارچه و هم سرنوشت دیدند و امروز رو در روی هم قرار گرفته اند و بر سر خانه و کاشانه هم بمب میریزند.

حمله به عراق که قرار بود قدرتی امریکا و نظم نوین جهانی اش را تثبیت کند، حمله ای که قرار بود الگوی حملات دیگر و رژیم چینج های دیگر در ایران و کشورهای دیگر باشد، عملا به باتلاقی برای امریکا تبدیل شده است. این شکست شکاف جدی را در رهیت حاکمه امریکا دامن زده است. جدالی بر سر دستنی یا غلط بودن حمله به عراق میان جمهوریخواهان و حزب بوش به راه افتاده است.

منتقدین دمکرات بوش این شکست را دستمایه تصفیه حسابهای دیگر و مبارزات انتخاباتی شان میکنند و بر علنی کردن همه گزارش محرمانه سازمان اطلاعاتی امریکا که در آن از رشد تروریسم گزارش داده شده است میزنند. جدال میان دموکراتها و جمهوریخواهان حول شکست در عراق به مسئله

این روزها مسئله رشد تروریسم و رشد جریانات اسلامی پس از حمله امریکا به عراق را نه فقط از جریانات و مردم آزادیخواه و رادیکال بلکه از مقامات بلند پایه امریکایی و رسانه های جیره خوارشان میشنویم. سناریویسازان حمله به عراق امروز از شقه شقه شدن جامعه در عراق، از جنگ انواع سکنها و باندهای اسلامی و قومی صحبت میکنند. سازمانهای اطلاعاتی امریکا از تضعیف موقعیت امریکا پس از حمله به عراق صحبت میکنند و اعلام کرده اند که موفقیت نیروهای اسلامی در عراق باعث تقویت و مشروعیت جریانات اسلامی در منطقه شده است. رسانه ها از وضعیت عراق و ابعاد فاجعه در عراق گزارشات تکان دهنده میدهند. گزارشاتی که از دامن زدن نفرت قومی و مذهبی در میان مردمی که تا دیروز در کنار هم و با هم زندگی میکردند میدهند. از رشد باندهای اسلامی و قدرتشان، از ناامنی امروز و آینده ناامن تر مردم زیر سایه نیروهای قومی و مذهبی حرف میزنند. البته فراموش میکنند نیروهای امریکایی را به یکی از این دارو دسته های مسلح و تروریست اضافه کنند، فراموش میکنند جنایات ارتش امریکا را به آمار بمب گذاریها و ترورهای باند قومی و مذهبی اضافه کنند. پس از گذشت سه سال از حمله به عراق و تبدیل عراق به منطقه ترور و قتل و جنایت اسلامیها و نیروهای امریکایی، امروز مسببین این وضعیت هشدار میدهند که پس از این حمله

تجمع اعتراضی رانندگان در سندج و

عقب نشینی رژیم

۳ شنبه ۳ مهر ساعت ۸ شب مسئولین رژیم در سندج اعلام کردند که سهمیه بنزین به ماشین های مسافرکش شخصی از ۲۵ لیتر به ۱۰ لیتر کاهش پیدا خواهد کرد. دیروز چهارشنبه ۴ مهر، ده ها نفر از این رانندگان به این تصمیم شدیداً اعتراض کردند و تجمع اعتراضی در استانداری بر پا کردند. ساعت ۱۱ شب بار دیگر سهمیه بنزین آنها به ۲۵ لیتر تغییر یافت و رژیم عقب نشست.

مدتی است که سهمیه بنزین در شهرهای کردستان جاری است. قبلا برای تاکسی ها ۳۰ لیتر و برای ماشین های شخصی مسافرکش ۲۵ لیتر تعیین شده بود. همه به این سهمیه بندی بنزین اعتراض داشته اند. اعتراضات بسیاری در جریان بود منتها قادر به حرکت متحده و سازمان یافته ای نشد. روز قیل ۲۵ لیتر سهمیه ماشین شخصی ها، به بهانه مساله ترافیک، به ۱۰ لیتر کاهش یافت. راننده های زحمتکش در برابر این بی عدالتی مطلق و سود جویانه اعتراض شدید خود را اعلام کردند و امروز ده ها نفر از آنها به طرف استانداری براه افتادند و تجمع کردند. آنها خواهان تحویل ۳۰ لیتر بنزین بودند. این اعتراض موفق شد که سهمیه بنزین ۲۵ لیتر را به راننده های ماشین های شخصی مسافرکش بازگرداند.

سهمیه بندی بنزین اساسا برای کوتاه کردن دست خرده فروش های بنزین برقرار شد که از این طریق امرار معاش میکردند و بنزین هایشان را معمولا به مرز ایران و عراق برای فروش در عراق میبردند. هم اکنون این کار بوسیله مقامات خود رژیم و همکارانشان صورت میگیرد و ماشین های نفت کش از عراق در شهرها دیده میشوند، بنزین های خریداری شده را به شهرهای عراق میبرند و از این راه در آمد های کلان نصیب خود و شرکایشان کرده و زندگی صد ها نفر از زحمتکشان را با دشواری بیش از پیش روبرو ساخته اند. در شهرهایی که بیکاری به قول خودشان ۲۵ درصد است هر روزه با اخراج کارگران و به غارت بردن دسترنج ها و تعطیل کردن امرار معاش بخور و نمیری که وجود دارد زندگی را تنگ تر و سیاه تر کرده اند. رژیم با برقراری اختناق و سرکوب و محرومیت بیشتر میخواهد به بقا خود بیفزاید.

اعتراض، تحصن، اعتصابات و تظاهرات متحده مردم محروم برای کار، بیمه، آزادی بیان و آزادی تشکل قادر به عقب راندن رژیم از این شرایط وحشیانه است. یک قدم عقب رفتن آنها را باز هم جری تر میکند. باید این حرکت رانندگان درس بزرگی برای همه مردم در بر داشته باشد. متحده در برابر هر تعرض آنها به کار و زندگی مردم باید ایستاد. لغو جیره بندی بنزین خواست فوری همه مردم است و برای این باید مبارزه ای متحده صورت بگیرد.

زنده باد مبارزه سازمان یافته بر علیه استبداد و محرومیت

کمیته سندج حزب حکمتیست

۵ مهر ۱۳۸۵

۲۸ سپتامبر ۰۶

اسلامی به اعتراضات کارگری پدیده خطرناکی است که کم و بیش اینجا و آنجا دارد اتفاق میافتد. مقابله با این پدیده فقط با دخالت فعال در سازماندهی کارگران ممکن است. متوسل شدن کارگران به شوراهای اسلامی که بنا بر گفته خود دست اندکاران رژیم جایی در جنبش کارگری ندارند، چند گام به پس در جنبش کارگری ایران است. شوراهای اسلامی که تاکنون هیچ جایی در جنبش کارگری نداشتند و در اخراج و دستگیری فعالین کارگری و سرکوب کارگران هم

کارگری با این دامنه، هشدار می دهد که احزاب کارگری و رهبران و فعالین کارگری است، که اگر نجینند و برای این اعتراضات و اعتصابات، رهبری متحد و رادیکال ایجاد نکنند، معلوم نخواهد بود که سرنوشت این اعتصابات و اعتراضات کارگری به کجا منجر شود. هم اکنون در بسیاری از موارد با شوراهای اسلامی سعی کرده اند در رقابت جناحی از این اعتراضات برای خود بهره گیرند و با کارگران خود برای پیشبرد اعتراضات خود به شوراهای اسلامی متوسل شده اند. این اتصال شوراهای

به حکمتیست ها به پیوندید!

از سایت ویژه کنگره حزب حکمتیست

دیدن کنید:

<http://www.hekmatist.com/fa/rsi-index.htm>

در دفاع از آزادی بیان

متوقف کردن اجرای اپرای "ایدومنو" به بهانه توهین به اسلام به حق افکار عمومی آلمان را شوکه و دو شکه کرده است.

پس از ماجرای کاریکاتور محمد در دانمارک و تعرض سازمان یافته جریانات و دولتهای اسلامی، تهدید علنی به ترور، ایجاد فضای ترس و وحشت در میان مردم اینبار نوبت سانسور در آلمان است.

نقد، هجو، طنز و تمسخر مذهب و فرهنگ و آداب و رسوم مذهبی، مقدسات مذهبی و دیگر جوانب عقب مانده زندگی مردم و جامعه از دستاوردهای بشریت امروز است که در مقابل قدرت مذهب از مسیحیت تا اسلام بدست آمده است. بشریت برای مقابله با قدرت مذهب و دخالت آن در جامعه و بدست آوردن آزادی بی قید و شرط بیای زبانی پرداخته است و به این سادگی اجازه نخواهند داد تا آزادی بیان و دیگر آزادیهای بدست آمده پایمال شود.

آزادی بیان امروز یکی از دستاوردهای بشریت در تقابل با دادگاههای تقیض عقاید و مراسمهای کتک سوزان فاشیستها در اروپا است. نباید اجازه داد در آلمان فضای رعب و وحشت مذهبی و سانسور و حکومت طالبان و جمهوری اسلامی را برقرار کنند.

جواب تهدیدات جریانات اسلامی و مذهبی برقراری سانسور و محدود کردن آزادی ها نیست. باید برای دفاع از سکولاریسم و حفظ آزادی بیان به میدان آمد و از آن دفاع کرد.

ما بدینوسیله کمپین دفاع از آزادی بیان را اعلام میکنیم و از همه و بخصوص نویسندگان و هنرمندان میخواهیم به این کمپین بپیوندند.

ما جلوگیری از نمایش تئاتر اپرای "ایدومنو" را نمیتوانیم تحمل کنیم و همه مردم آزادیخواه و مدرن آلمان و همه مهاجرین و پناهندگان ساکن آلمان را فرامیخوانیم تا در مقابل این تعرض به حقوق اولیه بشریت امروز بایستند.

برای دفاع از آزادی بی قید و شرط بیان و از آزادی نقد به کمپین ما بپیوندید.

کمپین دفاع از آزادی بیان

۲۷ سپتامبر ۲۰۰۶

Freimeinung_2007@web.de

(۰۰۴۹)۰۱۷۳۸۷۲۵۱۸۵

اعتصابات کارگری

سهیم بوده اند، تلاش دارند بیش از پیش چهره یک تشکل صنفی به خود بدهند. آنها فعالانه تلاش میکنند تا خود را با اوضاع جدید در جنبش کارگری تطبیق دهند. تاکنون شوراهای اسلامی خود تشکیل چندین اتحادیه کارگری را اعلام کرده اند و سخنگویان این اتحادیه ها در برهه این و یا آن مسئله و اعتراض کارگری اظهار نظر کرده اند. از جمله این اتحادیه ها، اتحادیه کارگران قراردادی موقت، اتحادیه کارکنان صنعت آب و برق، اتحادیه کارگران شهرداری تهران و... هستند که در همه موارد مسئولین و سخنگوی این اتحادیه ها، مسئولین شوراهای اسلامی اند. این اتحادیه ها در حال حاضر بیشتر از نام چیزی نیستند. اما خطر اینکه شوراهای اسلامی بتوانند از این طریق در میان کارگران جا باز کنند وجود دارد. نام سندیکا و اتحادیه در میان کارگران از ارج و قرب زیادی برخوردار است و شوراهای اسلامی دارند از این نام بهره برداری میکنند. افشای این اتحادیه ها و ایجاد هشیاری در میان فعالان کارگری در این دوره مهم است. تشکل های مستقل کارگری باید از جمله در مقابل این تشکل های دست ساز ایجاد شود.

اگر فعالین و رهبران رادیکال کارگری بتوانند بر پراکندگی اعتصابات و اعتراضات کنونی فائق آیند، اعتراضات کنونی میتواند مقدمه ای برای به میدان آوردن کل طبقه کارگر و مردم زحمتکش گردد که سرنوشت همه چیز را در ایران عوض خواهد کرد. با به میدان آمدن جنبش اعتصاباتی وسیع طبقه کارگر برای مطالباتش، شمارش معکوس برای سرنگونی جمهوری اسلامی به سرعت آغاز میشود.

سپتامبر ۲۰۰۶

سایتهای حزب و نهادهای نزدیک به حزب :

www.hekmatist.com

www.ja.wanx.com

www.marxhekmatsociety.com

www.iran-telegraf.com

www.oktoberr.com

www.hekmat.public-archive.net

کنگره شماره ۳ نشریه ویژه تدارک کنگره اول

حزب منتشر شد

- توضیحی در مورد تشابه اسمی نمایندگان کنگره

- توضیح در مورد تعداد لازم برای امضا قطعنامه ها و قرارهای پیشنهادی به کنگره

-باینیه پیشنهادی به کنگره اول حزب: جنبش رهایی زن در ایران و وظایف حکمتیستها

- قطعنامه پیشنهادی " درباره انقلاب و وظایف کمونیستها"

- نامه شماره ۸ به نمایندگان کنگره اول- سمینارها و جلسات جانبی کنگره

- نامه شماره ۹ به نمایندگان کنگره اول- آخرین موعد دریافت قرار، قطعنامه، یا اصلاحیه به قرار و قطعنامه های رسیده

تماس با حزب

کوروش مدرسی لیدر حزب

koorosh.modarresi@gmail.com

تلفن: ۰۰۴۴۷۷۴۸۶۳۰۸۳۳

رحمان حسین زاده معاون لیدر حزب

husienzade_r@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۸۵۵۸۳۷

فانج شیخ رئیس دفتر سیاسی

fateh_sh@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۴۷۱۷۵۱۲

عبدالله دارابی فرمانده گارد آزادی

dara.biabe@gmail.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۴۷۵۲۱۶۳

حسین مرادیگی دبیر کمیته کردستان

h_moradbeigi@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۴۷۹۱۶۲۱۳۶۳۴

ناسان نودینیان دبیر کمیته خارج کشور

Nasan_nodinian@yahoo.de

تلفن: ۰۰۴۹۱۷۳۸۷۲۵۱۸۵

بهرام مدرسی دبیر کمیته داخل

bahram-modarresi@freenet.de

تلفن: ۰۰۴۹۱۷۴۹۴۴۰۲۰۱

جمال کمانگر دبیر سازمان جوانان حکمتیست

jamalkamangar@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۴۷۸۱۴۷۶۵۶۱۹

اسد نودینیان روابط عمومی حزب

nodinyan_a57@yahoo.se

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۶۵۳۵۵۶۷

دبیر خانه حزب

mail@hekmat.com

تلفن: ۰۰۴۴۷۸۳۰۳۷۹۵۲۶

نه قومی، نه اسلامی، زنده باد هویت انسانی!